



در مکتب اهل بیت علیهم السلام (۱۵)

بسمله و حکم فقهی آن

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات

مترجم:

گروه از مترجمان

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

عنوان قراردادی	: جزئیة بسملة من القرآن و حکمها فی الصلاة. فارسی.
عنوان و نام پدید آور	: بسملة و حکم فقہی آن / تألیف گروه پژوهش؛ ترجمه مترجمان؛ تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی.
مشخصات نشر	: قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۶۳ ص.
فروست:	: در مکتب اهل بیت علیهم السلام: ۱۵
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۸۵-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیر نویس.
موضوع	: بسم الله الرحمن الرحيم
موضوع	: بسم الله الرحمن الرحيم - احادیث
شناسه افزوده	: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام. معاونت فرهنگی. اداره ترجمه
رده بندی کنگره	: ۱۴۹۲ - ۵۰۴۱ ب / ۷۱/۵ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۵۷



■ در مکتب اهل بیت علیهم السلام - ج ۱۵

● بسملة و حکم فقہی آن.

تألیف: گروه پژوهش.

ترجمه: گروهی از مترجمان.

تهیه کننده: اداره ترجمه معاونت فرهنگی.

ویراستاری: امر... نصیری .

صفحه آرایي و تصحيح: قاسم البغدادی.

ناشر: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.

نوبت چاپ: اول .

چاپخانه: نگارش .

سال نشر: ۱۳۹۳ هـ. ش. / ۱۴۳۵ هـ. ق .

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۸۵-۸

شابک دوره‌ای: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۰-۴

حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است.

آدرس: قم، بلوار جمهوری، نبش کوی ۶، تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۳۱۳۰۶ - ۱۰

تهران، بلوار کشاورز، مقابل پارک لاله، شماره ۲۴۸، تلفن: ۸۸۹۵۰۸۲۷ - ۲۱

www.ahl-ul-bayt.org

info@ahl-ul-bayt.org

www.abwacd.ir

www.abna.com

أَهْلَ الْبَيْتِ
فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ
لِنَمَائِرِ كَيْدِ اللَّهِ
لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الْجُحُشَ أَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَ كُمُ قَطْرَتَيْنِ

سُورَةُ الْأَحْزَابِ / آيَةُ : ٣٣

خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت
دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

أَهْلُ الْبَيْتِ
 فِي السَّنَةِ النَّبَوِيَّةِ
 إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ
 كِتَابَ اللَّهِ وَعَنْتِي أَهْلَ بَيْتِي
 مَا إِنْ تَمَسَّكُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا

«الفتح والفتح والفتح»

همانا من در میان شما دو شیء گرانبها را باقی می گذارم؛
 که تا وقتی به آنها چنگ زنید، هرگز پس از من گمراه نشوید.

فهرست مطالب

۹.....	سخن مجمع.....
۱۳.....	مقدمه.....
۲۱.....	جزئیت بسمله از قرآن و حکم آن در نماز.....
۲۲.....	جزئیت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ در هر سوره.....
۲۵.....	دلایل جزئیت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾.....
۲۵.....	۱- روایات اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۶.....	۲- احادیث اهل سنت.....
۳۴.....	۳- سیره و روش مسلمین.....
۳۵.....	۴- قرآنهاى اصحاب و تابعین.....
۳۶.....	تواتر جزئیت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ در مکتب خلفا.....
۳۹.....	دلایل عدم جزئیت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ و جواب آنها.....
۴۳.....	وجوب قرائت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ در نماز.....
۴۸.....	وجوب بلند خواندن ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ در نماز.....
۵۴.....	معاویه منشأ اختلاف در جزئیت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ است....
۵۷.....	منشأ تناقض روایات ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾.....
۵۸.....	نماز بدون ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ معاویه.....
۶۲.....	نتیجه و خلاصه بحث.....

سخن مجمع

«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام]... معرفی مکتب اهل بیت علیهم السلام است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت علیهم السلام معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۲۸ / ۵ / ۱۳۸۶)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که تبلور اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: « فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مُحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبِعُونَا » [شیخ صدوق رحمته الله، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار علیهم السلام و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی قدس سره و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت علیهم السلام

گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای

کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره‌ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می‌کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه‌ی معارف اهل بیت علیهم‌السلام در سراسر جهان، از دیدگاه‌ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته‌گان، صاحب نظران و پژوهش‌گران ارجمند استقبال می‌کند تا زمینه‌های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت علیهم‌السلام فراهم گردد. به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه.

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

مقدمه

وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلّم و همیشگی دین مقدّس اسلام نیز بوده و هست و تحقّق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقَةٍ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ»^(۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی

خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

﴿وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾^(۲)

۱ - نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶.

۲ - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لبه پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله ﷺ می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً»^(۱).

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده»^(۲).

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشد؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خونریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیسه دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

۱ - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱/۴۱۱.

۲ - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و آتّهام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابر این بر مسؤلان و رهبران امت و برآحاد جامعه اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، برخورد لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهیونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجوئیم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب همه مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؛

- ما که بزرگ ترین موفقیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزى و اعلان و تحقق کلمه توحید «لا اله الا الله» می دانیم؛
- ما که خطبه های غرای توحیدی مولی الموحدين امیر المؤمنین (علیه السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاء می نشینیم؛

– ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر ﷺ را همانند دعای کمیل از امام علی ﷺ، دعای عرفه از امام حسین ﷺ و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاده ﷺ و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ...
مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...»^(۱)

– ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با همه این اوصاف، به صورت جاهلانه و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم كيف يحكمون)!!!

۲ – اعتقاد به امام مهدی ﷺ و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی – روی هم رفته – به آن اعتراف دارند تا جایی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند.^(۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطبه علمای اهل بیت ﷺ و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

۱ – بحار الأنوار: ۲۲۶/۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲ – همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماري شافعی، ناصر الدین البانی، ابوالعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحنة حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صباغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عباس قرمانی حنفی، ابن عامر شبراوی، ساباط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان... .

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی علیه السلام و مهدویت - که در کتاب و سنت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد- چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصاره انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا^(۱) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود! اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

۱ - بالاخره، معلوم نشد این سرداب کجاست!

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه نمایی در زمینه اعتقادات و معارف حقّ اهل بیت علیهم السلام توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آكلة الاکباد و آنان که گوینده «لا اله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه گونه خوش خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی رحمی، قطعه قطعه و به آتش می کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم افزار، توسط این مجموعه فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می باشند، **فإلی الله المشتکی.**

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت علیهم السلام مکلفیم، بر خود واجب می دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی زاری خود را از این تفرقه افکنان و جنگ افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.

مجموعه «فی رحاب اهل البيت (علیهم السلام)»^(۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهنیت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین^(۲)، طراحی و سپس مورد تنظیم و تدوین قرار گرفت. بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت. شخصیت‌های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه‌های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه‌ی این مجموعه را به زبان‌های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجمه فارسی آن توسط اداره ترجمه

-
- ۱ - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.
 - ۲ - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته‌اند. متذکر می‌شویم:
 - ۱ - ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه.
 - ۲ - سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه.
 - ۳ - ۵ - سید عبدالرحیم موسوی (رحمته‌الله)، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه.
 - ۶ - ۹ - شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدیق مسائل استخراج و مقابله.
 - ۱۰ - ۱۳ - سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور.
 - ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده‌ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می‌شود.

امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیة الله الأعظم علیه السلام قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

جزئیّت بسمله^(۱) از قرآن و حکم آن در نماز

از جمله اموری که مذاهب اسلامی در آن اختلاف دارند، مسأله ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ است مبنی بر این که: آیا ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ جزء آیات سوره حمد و یا همه سوره های قرآن است؟ یا این که نه جزء حمد و نه جزء سوره های دیگر قرآن است؟ و طبعاً این اختلاف به قرائت نماز هم سرایت کرده؛ همچنان که در کیفیت قرائت آن به صورت جهر و (بلند) یا به صورت اخفات (و آهسته) اختلاف است.

و این بحث متکفل بیان حقیقت در این مسأله و فروع متعلق به آن با تکیه بر مصادر مذاهب اربعه است. و شاید در خلال بحث، مهمترین نتیجه ای که به ذهن خواننده گرامی برسد، این است که حقایق و مسلّمات تاریخی صدر اسلام، بیانگر این است که این اختلاف، هیچ گونه ربطی به صحابه رسول خدا ﷺ و فقاہت و اجتهاد فرقه ها و مذاهب ندارد بلکه دست سیاست معاویه خواسته که

۱ - منظور از بسمله، ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ است.

چنین بدعتی را در شریعت اسلامی و عبادات مسلمین - بر خلاف سیره و روش پیغمبر اسلام ﷺ و مسلمانان - وارد کند. و همین سیاست حکومتی، فرقه‌ها و مذاهب را تحت تأثیر قرار داده که برای چنین بدعتی، به دنبال توجیه و تراشیدن دلیل و زمینه پذیرش بروند.^(۱)

جزئیّت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ در هر سوره

امامیه و پیروان اهل بیت علیهم السلام با اتفاق {بسم الله الرحمن الرحيم} را جزء هر سوره می‌دانند که در ابتدای آن قرار دارد. ابن عباس، ابن مبارک و اهل مکه مانند ابن کثیر و اهل کوفه؛ مانند: عاصم و کسائی و غیر آنان جز حمزه و اغلب اصحاب شافعی،^(۲) همگی همانند شیعیان ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را جزء قرآن کریم می‌دانند.

همچنین قرآی مکه و کوفه به آن جزم دارند^(۳) و این قول از ابن عمر، ابن زبیر، ابی هریره، عطا، طاووس، سعید بن جبیر، مکحول،

۱ - این بحث، به نحو اساسی، از کتاب: البیان فی تفسیر قرآن، تألیف آیه الله خوئی (ره) صفحه ۴۴۸-۴۳۸ و کتاب: القرآن الکریم و روایات المدستین، تألیف علامه سید مرتضی عسکری، جلد ۲، صفحه ۶۷-۳۷ استفاده شده است.

۲ - تفسیر آلوسی: ۱/ ۳۹.

۳ - تفسیر شوکانی: ۱/ ۷.

زهري، احمد بن حنبل - در نقلی از او -، اسحاق بن راهویه و ابو عبید قاسم بن سلام حکایت شده است^(۱). و این قول از ثوری و محمد بن کعب به وسیله بیهقی نقل شده است^(۲).

فخر رازی همین نظر را در تفسیرش اختیار نموده و آن را به قرآی مکه و کوفه و بیشتر فقهای حجاز و ابن مبارک و ثوری نسبت داده است.

جلال الدین سیوطی هم این نظر را مختار خود قرار داده و ادعا نموده است که:

«روایات - به تواتر معنوی - دلالت دارند بر این که ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ جزء آیات هر سورة قرآن می باشد»^(۳).
برخی از شافعی ها و حمزه گفته اند:

«﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ فقط در سوره ی حمد - و نه در سوره های دیگر - جزء آیات قرآن می باشد». و این قول همانند قول اول، به احمد بن حنبل نسبت داده است^(۴).
مالک، ابو عمرو و یعقوب گفته اند:

۱ - تفسیر ابن کثیر: ۱/ ۱۶.

۲ - تفسیر خازن: ۱/ ۱۳.

۳ - الاتقان: ۱/ ۲۷۰.

۴ - تفسیر آلوسی: ۱/ ۳۹.

«بسم الله» آیه مستقلی است و جزء سورۀ حمد و یا دیگری نمی‌باشد. «بسم الله» جهت تیمّن و تبرک برای مشخص نمودن اوّل سورۀها و جدا نمودن دو سورۀ از هم نازل شده است و این دیدگاه بین حنفیه مشهور است.^(۱)

البته بیشتر حنفی‌ها گفته‌اند:

«قرائت بسم الله» در نماز قبل از سورۀ فاتحه واجب است و زاهدی از مجتبی نقل کرده که وجوب قرائت آن در هر رکعت، به طریق صحیحی از ابی حنیفه نقل شده است.^(۲)

مالک معتقد است:

«بسم الله» اگر مستقلاً خوانده شود، مکروه است و به خاطر دوری از اختلاف، مستحب می‌شود.^(۳)

در این مسأله آرا و نظرات دیگری هست که اشاره به آنها بی فایده است و مهم برای ما آن است که دلیل و برهان مذهب حقّ اهل بیت علیهم‌السلام را در طیّ چند امر بیان نماییم.

۱- تفسیر آلوسی: ۱/ ۳۹.

۲- تفسیر آلوسی: ۱/ ۳۹.

۳- الفقه علی المذاهب الاربعه: ۱/ ۲۵۷.

دلایل جزئیّت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾

۱- روایات اهل بیت علیهم السلام

روایات صریح و صحیحی از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله مبنی بر جزء قرآن بودن ﴿بسم الله﴾ نقل شده است^(۱) و با داشتن این گونه روایات صریح و صحیح از عدل و همسنگ قرآن؛ یعنی اهل بیت علیهم السلام که تمسک و رجوع به آنان از ناحیه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله واجب گردیده - نیازی به پیدا کردن دلیل دیگری نمی باشد.^(۲)

الف - معاویه بن عمار می گوید:

«از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: وقتی به نماز می ایستم آیا ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را در سورة فاتحه قرائت نمایم؟ فرمود: آری. پرسیدم: بعد از قرائت سورة فاتحه باید ﴿بسم الله﴾ را با سورة هم قرائت نمایم؟ فرمود: آری.»^(۳)

ب - یحیی ابن ابی عمران همدانی می گوید:

۱- برای آگاهی بر روایات مذکور، ر.ک: فروع کافی ۳/۳۱۲، باب قرائت قرآن؛ استبصار، باب جهر به ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾: ۱/۳۱۱؛ تهذیب، باب کیفیت نماز و صفت آن: ۱/۲۱۸، ۱۵۳؛ وسائل الشیعه، باب ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ آیه ای از فاتحه است: ۱/۳۵۲.
۲- بعضی از مصادر این بحث در کتاب البیان فی تفسیر القرآن، آیه الله خوئی، صفحه ۳۹۸، ۱۸ می باشد.

۳- کافی: ۳/۳۱۲، چاپ دار الکتب الاسلامیه.

«به حضرت امام محمد باقر علیه السلام نوشتم: فدایت شوم! چه می فرمایید در مورد کسی که ﴿بسم الله﴾ را با سوره حمد در نمازش - که به تنهایی خوانده - قرائت کرده است، ولی وقتی که سوره حمد را تمام کرده بدون ﴿بسم الله﴾ وارد سوره دیگری شده است؟ البته عباسی می گوید: اشکالی ندارد. آن حضرت با دست خود نوشت: به رغم انف عباسی، نمازش را باید اعاده کند».^(۱)

ج - در روایت صحیح ابن ابی اذینه آمد است:
«... هنگامی که تکبیر الاحرام را گفت و نماز را آغاز کرد، خداوند متعال به او وحی فرمود: نام مرا ببر، به همین خاطر ﴿بسم الله﴾ در اول سوره قرار داده شده است...».^(۲)

۲- احادیث اهل سنت

روایات زیادی از طریق اهل سنت در این زمینه وارد شده که برخی از آنها در این جا ذکر می شود:

الف - انس می گوید:

«روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان ما بود که در این حال، کمی چُرت زدند، آنگاه سر خود را با تبسم بلند کرد. ما به او گفتیم: چه

۱- کافی: ۳/ ۳۱۳.

۲- کافی: ۳/ ۴۸۵.

چیز شما را خندانند؟ فرمود: همین حالا سوره‌ای بر من نازل شد و چنین خواند: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ...﴾.^(۱)

ب - دارقطنی با سند صحیح روایت می‌کند که:

«از امام علی علیه السلام راجع به سبع مثانی سؤال شد، آن حضرت فرمود: ﴿الحمد لله رب العالمین﴾. به آن حضرت گفته شد: سوره حمد، شش آیه است پس چگونه شش آیه به سبع مثانی تعبیر شده است؟ فرمود: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ خودش یک آیه است».^(۲)

ج - و نیز دارقطنی با سند صحیح از ابو هریره روایت می‌کند که پیغمبر خدا^ص فرمود:

«وقتی که سوره حمد را می‌خوانید ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را (هم) بخوانید؛ زیرا حمد، امّ القرآن، امّ الكتاب و سبع مثانی است و ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ یکی از آیات آن می‌باشد».^(۳)

د - ابن خزیمه و بیهقی با اسناد صحیح از ابن عباس روایت کرده‌اند که گفته است:

۱- صحیح مسلم، باب ادلة قایلین آیه بودن ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾؛ سنن نسائی، باب قرائت ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ۱/ ۴۳؛ سنن ابی داوود، باب جهر به ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾: ۱/ ۱۲۵.

۲- الاتقان، نوع ۲۷-۲۲: ۱/ ۱۳۶.

۳- الاتقان، نوع ۲۷-۲۲: ۱/ ۱۳۶.

«سبع مثانی، فاتحه الکتاب است. گفته شد: سورة فاتحه شش آیه است، چگونه به سبع و هفت تعبیر شده است و هفت آن کجاست؟ گفت: ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ است»^(۱).

هـ - و نیز با اسناد صحیح از طریق سعید بن جبیر، از ابن عباس روایت کرده‌اند که گفته است:

«شیطان عظیم ترین آیه قرآن؛ یعنی ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را از مردم دزدیده است»^(۲).

و- سعید بن جبیر، از ابن عباس روایت کرده که او گفته است: «مسلمانان، پایان سوره را نمی‌دانستند تا این که ﴿بسم الله﴾ نازل می‌شد و هنگامی که ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ نازل می‌گشت، می‌دانستند که سوره پایان یافته است»^(۳).

ز- سعید، از ابن عباس روایت کرده است:

«هنگامی که جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل می‌شد و ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را قرائت می‌کرد، آن حضرت می‌دانست که سوره است»^(۴).

ح - ابن جریج می‌گوید:

۱ - الاتقان، نوع ۲۷-۲۲: ۱/۱۳۶؛ مستدرک حاکم: ۱/۵۵۱.

۲ - الاتقان، نوع ۲۷-۲۲: ۱/۱۳۵؛ سنن بیهقی، باب افتتاح قرائت در نماز: ۲/۵۰.

۳ - مستدرک حاکم: ۱/۲۳۲.

۴ - مستدرک حاکم: ۱/۲۳۱.

«پدرم از سعید بن جبیر مرا خبر داد که گفته است: به تحقیق سبع مثانی (که) بر تو فرستادیم، امّ القرآن است. پدرم گفت: سعید بن جبیر ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را که یکی از هفت آیه است، بر من قرائت کرد. و نیز گفت: ابن عباس آن را بر من قرائت کرد؛ همچنان که من بر تو قرائت نمودم. سپس گفت: ﴿بسم الله﴾ یکی از هفت آیه است. ابن عباس گفت: خداوند آیه ﴿بسم الله﴾ را برای شما نازل کرده و برای هیچ کس قبل از شما نازل ننموده است».^(۱)

ط - عبد الله بن عباس می گوید:

«﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ آیه است».^(۲)

ی - طلحه بن عبید الله می گوید:

«رسول خدا ﷺ فرموده: هر کس ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را ترک نماید، به حقیقت، آیه‌ای از کتاب خدا را ترک نموده است».^(۳)

ک - ابن عمر می گوید:

«﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ در هر سوره نازل شده است».^(۴)

ل - ابن عباس می گوید:

۱ - مستدرک حاکم، فضائل قرآن: ۵۵۰.

۲ - الدر المنثور: ۷/۱ نقل از ابن ضریس.

۳ - الدر المنثور: ۷/۱ نقل از ثعلبی.

۴ - الدر المنثور: ۷/۱ نقل از واحدی.

«پیامبر اکرم ﷺ فاصله و پایان سوره‌ها را نمی‌دانست تا این که ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ بر او نازل می‌شد. بزار و طبرانی در تتمه روایت افزوده‌اند: هنگامی که ﴿بسم الله﴾ نازل می‌شد، پیامبر می‌دانست که سوره پایان پذیرفته و سوره دیگری شروع شده است»^(۱)

م - در روایت ابن مسعود آمده:

«ما فاصله دو سوره را نمی‌دانستیم تا این که بسم الله نازل می‌شد».

ن - سعید بن جبیر گفته:

«مسلمانان در زمان رسول خدا ﷺ پایان سوره را نمی‌دانستند تا این که ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ نازل می‌شد و هنگامی که ﴿بسم الله﴾ نازل می‌گشت، متوجه می‌شدند که سوره پایان یافته و سوره دیگری شروع شده است»^(۲)

س - ابن عباس می‌گوید:

«از علی ابن ابی طالب علیه السلام پرسیدم: چرا ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ در سوره برائت نوشته نشده است؟ فرمود: زیرا ﴿بسم الله

۱- سنن ابی داود، کتاب نماز، باب کسانی که ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را با جهر خواندند: ۲۰۹/۱؛ سنن بیهقی: ۴۳/۲؛ مستدرک حاکم: ۲۳۲/۱ و حاکم گفته: این، حدیث صحیح است. و ذهبی گفته: این حدیث ثابت است. و ر.ک: مجمع الزوائد هیشمی: ۳۱۰/۶ و الدر المنثور سیوطی: ۷/۱ از طبرانی و بیهقی.

۲- الدر المنثور: ۷/۱ از بیهقی در شعب الایمان؛ مصنف عبد الرزاق: ۹۲/۲.

الرحمن الرحیم» امان است و سورة برائت با شمشیر نازل شده است.^(۱)

در مقابل این همه روایات، دو روایت وجود دارد که دلالت می کنند
«بسم الله» جزء سوره نیست:

یکی: از آن دو روایت، روایت قتاده از انس بن مالک است که می گوید:

«با رسول خدا ﷺ، ابو بکر، عمر و عثمان نماز خواندم و از هیچ کدام نشنیدم که «بسم الله الرحمن الرحیم» را بخواند.»^(۲)

دومین: روایت، روایت ابن عبد الله بن مغفل یزید بن عبد الله است که گفته:

«پدرم هنگامی که از من شنید «بسم الله الرحمن الرحیم» می گویم، گفت: فرزندم! این کار را نکن و «بسم الله الرحمن الرحیم» را نگو؛ زیرا مبعوض ترین امور نزد اصحاب رسول خدا ﷺ همان بدعت گذاری است؛ من با رسول خدا ﷺ، ابوبکر، عمر و عثمان نماز خوانده ام و از هیچ یک از آنان نشنیدم که بسم الله را بخوانند،

۱- الدر المنثور، در تفسیر سورة توبه.

۲- مسند احمد: ۳/ ۲۷۸، ۲۷۳، ۱۷۷؛ صحیح مسلم، باب ادلة قایلین به عدم جهر به «بسم الله الرحمن الرحیم» ۲/ ۱۲؛ سنن نسائی، باب ترک جهر به «بسم الله الرحمن الرحیم»: ۱/ ۱۴۴.

پس تو هم آن را نخوان و هنگامی که خواستی قرائت بخوانی، بگو:
 ﴿الحمد لله رب العالمین﴾.^(۱)

جواب روایت اول، علاوه بر این که با روایات اهل بیت علیهم السلام مخالف است، از چند جهت قابل اعتماد نیست:

اول: این روایت با روایات فراوانی که - تعدادی از آنها سندشان صحیح است و از طریق اهل سنت نقل شده و دارای تواتر معنوی می باشند - معارض می باشد؛ بنابراین، چگونه می توان این روایت را تصدیق نمود؟! با این که ابن عباس، ابو هریره و ام سلمه گواهی داده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرتباً ﴿بسم الله﴾ را قرائت می کرد و آن را یک آیه از فاتحه الكتاب حساب می کرد و ابن عمر، مرتباً می گفت: «اگر قرائت نمی شود چرا نوشته شده است؟».^(۲)

و علی علیه السلام می فرمود:

هر کس ﴿بسم الله﴾ را قرائت نکند (حق) آن را نا تمام گذاشته است.
 و می فرمود: تمام و کمال سبع مثانی ﴿بسم الله﴾ است.^(۳)

دوم: این روایت با قرائت ﴿بسم الله﴾ در نماز که بین مسلمانان رایج بوده مخالف است، به طوری که معاویه در یکی از دوران و روزهای

۱- مسند احمد: ۴/ ۸۵. ترمذی بیشتر آن را با اختلاف کمی، در باب ما جاء فی ترک الجهر بالبسمله، صفحه ۴۳ نقل کرده است.

۲- سنن کبری: ۲/ ۴۳.

۳- الدر المنثور: ۱/ ۷.

خلافتش، آن را در نماز نخواند، مسلمانان با اعتراض به او گفتند: «دزدیدی یا فراموش کردی؟»^(۱) بنابراین، چگونه می‌توان پذیرفت که رسول خدا و کسانی که بعد از پیامبر بوده‌اند، ﴿بسم الله﴾ را نخوانده باشند؟
سوم: این روایت با آنچه به طور مستفیض از خود انس نقل شده، مخالف است:

۱- قتاده از انس روایت کرده که:

«قرائت رسول خدا با مد بود، سپس ﴿بسم الله﴾ را قرائت نمود و ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را با مد خواند».^(۲)

ب - شریک از انس روایت کرده که:

«شنیدم از رسول خدا که ﴿بسم الله﴾ را بلند می‌خواند. حاکم نیشابوری می‌گوید: راویان این حدیث همه ثقه و مورد اعتماد می‌باشند».

ج - عسقلانی روایت می‌کند:

«من پشت سر معتمر بن سلیمان خیلی زیاد نماز صبح و مغرب را خواندم و او ﴿بسم الله﴾ را قبل از فاتحه و بعد از آن بلند می‌خواند و شنیدم معتمر می‌گوید: من، پیوسته در نماز از پدرم پیروی می‌کنم و پدرم می‌

۱- سنن بیهقی: ۴۹ / ۲.

۲- سنن بیهقی، باب آغاز قرائت در نماز با ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ ۴۶ / ۲؛ مستدرک، حدیث چهارم به ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾: ۲۳۳ / ۱.

گفت: من، پیوسته در نماز از انس بن مالک پیروی می‌کنم و انس بن مالک می‌گفت: من، پیوسته در نماز از پیامبر ﷺ پیروی می‌کنم. حاکم نیشابوری می‌گوید: راویان این حدیث، همگی ثقه و مورد اعتمادند^(۱).

جواب روایت دوم - که روایت عبد الله بن مغفل است - به این نحو است که: از جواب روایت اول معلوم می‌شود روایت دوم مشتمل است بر چیزی که با بدیهیات اسلام مخالف است؛ زیرا هیچ فرد مسلمانی در این که ﴿بسم الله﴾ قبل از حمد و سوره مستحب است و لو به قصد تیمن و تبرک (نه آن که جزء باشد) شکی ندارد،^(۲) پس چگونه ابن مغفل، ادعای بدعت آن را نموده است؟!!

۳- سیره و روش مسلمین

سیره مسلمین بر قرائت ﴿بسم الله﴾ در اوایل سوره‌ها - به جز سوره براءت - بوده است و به تواتر ثابت شده که رسول خدا ﷺ روشش خواندن ﴿بسم الله﴾ بوده است. و اگر چنانچه ﴿بسم الله﴾ از قرآن نبود، رسول خدا ﷺ لازم بود که آن را صریحاً بیان کند؛ زیرا وقتی که رسول خدا ﷺ در مقام بیان شریعت است و ﴿بسم الله﴾ را قرائت می‌

۱- مستدرک: ۱/ ۲۳۴-۲۳۳.

۲- التفسیر الکبیر: ۱/ ۲۰۹.

کند، ظهور دارد در این که آنچه قرائت می‌کند، قرآن است، پس اگر بعضی از آنچه قرائت می‌کند، قرآن نباشد و به آن تصریح نکند، چنین کاری اغرا و انداختن دیگران در جهل است و این کار، قبیح و زشت است و قبیح و زشتی آن نسبت به اموری که مربوط به وحی می‌شود، بیشتر است. و اگر چنانچه رسول خدا ﷺ به آن تصریح کرده باشد، می‌بایست به تواتر به ما برسد، در حالی که این مطلب حتی به خبر واحد هم نقل نشده است.

۴- قرآنهای اصحاب و تابعین

بدون شک، تمام قرآنهای اصحاب و تابعین - پیش از جمع آوری عثمان و پس از آن - ﴿بسم الله﴾ داشته‌اند و اگر ﴿بسم الله﴾ جزء قرآن نبود، آن را در قرآن‌ها ثبت نمی‌کردند؛ زیرا اصحاب نمی‌گذاشتند چیزی که از قرآن نیست، داخل قرآن شود و حتی بعضی از قدما نمی‌گذاشتند که قرآن نقطه و حرکت گذاری شود؛ بنابراین، ثبت ﴿بسم الله﴾ توسط همین افراد در قرآن‌هایشان گواه آن است که ﴿بسم الله﴾ همانند آیات تکراری دیگر قرآن، جزء قرآن است.

این چنین دقت و مراقبت از اصحاب و تابعین در رابطه با قرآن، بطلان این احتمال را که ثبت ﴿بسم الله﴾ به خاطر فاصله انداختن بین سوره‌هاست، آشکار می‌سازد.

و همچنین ادعای این که ﴿بسم الله﴾ در حمد ثابت است و در براءة ثابت نیست را نیز باطل می‌کند. و اگر ﴿بسم الله﴾ برای فاصله انداختن بود، می‌بایست اول سورة براءة هم باشد و به عکس، در سورة حمد نباشد و همین به طور قطع می‌فهماند که ﴿بسم الله﴾ جزء آیات حمد - نه براءة - می‌باشد.

تواتر جزئیت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ در مکتب خلفا

فخر رازی می‌گوید:

«با نقل متواتر ثابت شده که ﴿بسم الله﴾ کلامی است که خدا آن را بر محمد ﷺ نازل کرده و در مصحف به خط قرآن ثبت شده است».^(۱)

و نیز گفته:

«هر چیزی که قرآن نیست، به عنوان خط قرآن ثبت نشده است. آیا ملاحظه نمی‌کنید که اینان (خلفا و اصحاب) نگذاشته‌اند که نام سوره‌ها و علایم (اعشار و اخماس)؛ یعنی دهگان و پنجگان آیه‌ها در قرآن‌ها نوشته شود؟ و هدف این بوده که غیر قرآن، با قرآن، مخلوط نشود و اگر ﴿بسم الله﴾ از قرآن نبود، جزء خطوط قرآن ثبت نمی‌گردید. و این که همه آنان آن را جزء خط قرآن ثبت کرده‌اند، می‌فهمیم که ﴿بسم الله﴾ از قرآن است».^(۲)

۱- تفسیر رازی: ۱/ ۱۹۵.

۲- تفسیر رازی: ۱/ ۱۹۷.

سیوطی در تواتر بودن کسانی که تواتر جزئیّت ﴿بسم الله﴾ از سوره را منکرند، گفته:

در تواتر بودن جزئیّت ﴿بسم الله﴾ همین مقدار کافی است که در مصحفهای افراد، ثبت شده است، با این که آنان چیزی خارج از قرآن مانند نام سوره‌ها و آمین و اعشار (دهگان آیه‌ها) را در قرآن نمی نوشتند. و اگر ﴿بسم الله﴾ قرآن نباشد، آنان اجازه نمی دادند که به خط قرآن بدون تمییز نوشته شود؛ چون که این کار موجب می شد که حمل بر قرآن بودن آن شود و چنین مطلبی درباره اصحاب تصوّر و اعتقادش جایز نیست. چگونه آنان موجب فریب مسلمین شوند؟ و چیزی که از قرآن نیست، حمل بر قرآن نمایند و چنین عقیده‌ای درباره اصحاب، جایز نیست و اگر چنانچه گفته شود که ﴿بسم الله﴾ به خاطر فاصله انداختن بین سوره‌ها ثبت شده است، جوابش این است که:

اولاً: چنین کاری فریبکاری است و ارتکاب آن به مجرد فاصله انداختن، جایز نیست.

ثانیا: اگر برای فاصله باشد، می بایست بین سوره برائت و انفال هم نوشته می شد.^(۱)

عده‌ای از دانشمندان، کتابهای مستقلى را در وجوب قرائت ﴿بسم الله﴾ نوشته اند؛ مانند:

- ۱- ابن خزیمه (متوفای ۳۱۱ هـ.ق.) کتاب بسمله.
- ۲- خطیب بغدادی (متوفای ۴۶۳ هـ.ق.) کتاب الجهر بالبسمله.
- ۳- ابو سعید بوشنجی (متوفای ۵۳۶ هـ.ق.) کتاب الجهر بالبسمله.
- ۴- جلال الدین محلی شافعی (متوفای ۸۶۴ هـ.ق.) کتاب الجهر بالبسمله.
- ۵- علی بن عبد العزیز دولابی، از اصحاب مورخ معروف طبری، کتاب ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾.
- ۶- دارقطنی (متوفای ۳۸۵ هـ.ق.) یک جلد در ﴿بسم الله﴾ و آن را تصحیح کرده است.^(۱)

۱- الف- الدر المنثور: ۷/۱.

ب- ترجمه خطیب بغدادی، نقل از طبقات شافعیه: ۲۰۱/۱.

ج- در ماده جهر در ذیل کشف الظنون: ۳۸۸/۱ جهر به ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾.

د- در ماده جهر از کشف الظنون: ۶۲۳/۱.

ه- فهرست ابن ندیم: ۲۹۹ و قرطبی در تفسیر ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ در کتاب تفسیرش: ۹۵/۱ می گوید: جماعتی روایت کرده اند به این که ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ از قرآن است.

دلائل عدم جزئیّت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ و جواب آنها

کسانی که گفته‌اند: «﴿بسم الله﴾ جزء سوره نیست» به اموری استدلال کرده‌اند:

۱- راه اثبات قرآن، فقط تواتر است، پس آنچه در آن اختلاف باشد که آیا جزء قرآن است یا نیست؟ جزء قرآن نمی‌باشد و ﴿بسم الله﴾ از آن مواردی است که مورد اختلاف واقع شده است.

پاسخ:

اولاً: جزء قرآن بودن بسم الله به طور متواتر از اهل بیت علیهم السلام نقل شده و فرقی بین تواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله و تواتر از اهل بیت رسول خدا علیهم السلام - بعد از آن که تبعیت از آنان واجب است - نمی‌باشد.

ثانیاً: اگر عده‌ای چیزی از فقها به جهت برخی شبهات ﴿بسم الله﴾ را جزء قرآن ندانند، به تواتر جزئیّت آن از قرآن، زیانی نمی‌رساند؛ زیرا شهادت جمع فراوانی از اصحاب رسول خدا بر این بوده که ﴿بسم الله﴾ جزء قرآن است. اضافه بر این، روایات فراوانی وجود دارد که به تواتر معنوی بر جزء بودن آن از قرآن، دلالت می‌کند.

ثالثاً: به تواتر ثابت شده است که رسول خدا هر وقت که سوره‌ای از قرآن را می‌خوانده ﴿بسم الله﴾ را هم با آن قرائت نموده؛ چون در مقام بیان شرعیات بوده و نگفته است که ﴿بسم الله﴾ جزء قرآن نیست؛ از این رو، قطعاً ثابت می‌شود که ﴿بسم الله﴾ جزء قرآن است.

و البتّه بر جزئیت آن نسبت به سوره دلالت نمی کند، امّا روایات گذشته دلالت می کنند که ﴿بسم الله﴾ جزء سوره است تا چه رسد به اخبار فراوانی که از طریق اهل سنت و اهل بیت علیهم السلام روایت شده اند. و معلوم است که جزء سوره بودن، با خبر واحد صحیح هم ثابت می شود و لازم نیست که این جا هم تواتر باشد.

۲- مسلم در صحیح خود از ابو هریره روایت می کند که:

«از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: خداوند فرموده: نماز را بین خود و بندهام به دو نیمه تقسیم کرده ام؛ سهم بندهام آن چیزی است که در خواست کند، پس اگر بنده بگوید: ﴿الحمد لله رب العالمین﴾، خداوند می فرماید: بندهام مرا حمد کرد. و اگر بنده بگوید: ﴿الرحمن الرحیم﴾، خداوند می فرماید: بندهام مرا تجلیل کرد. و اگر بنده بگوید: ﴿مالك يوم الدين﴾، خداوند می فرماید: بندهام مرا بزرگ داشته و اگر بنده بگوید: ﴿اياك نعبد و اياك نستعين﴾، خداوند می فرماید: این بین من و بندهام می باشد و برای اوست آنچه را که بخواهد. و اگر بنده بگوید: ﴿اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر الغضوب علیهم ولا الضالین﴾، خداوند می فرماید: این برای بندهام است هر آنچه را که طلب نماید».^(۱)

۱- صحیح مسلم، باب قرائت حمد در هر رکعت: ۲/ ۹؛ سنن ابی داود، باب افرادی که قرائت ﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾ را در نماز ترک کردند: ۱/ ۱۳۰؛ سنن نسائی باب ترک قرائت ﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾ در حمد: ۱/ ۱۴۴.

توجیه استدلال در این روایت به این است که: بعد از آیه: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ با قبل از آن، از نظر تعداد، مساوی است و اگر ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ جزء فاتحه باشد معنای صحیحی برای روایت تصور نمی‌شود؛ زیرا سوره فاتحه هفت آیه است. پس اگر ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ جزء آن باشد، آنچه که بعد از ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ قرار گرفته دو آیه است و معنای آن این است که قبل از آیه: ﴿إِيَّاكَ...﴾ دو برابر ما بعد آن می‌باشد و در این صورت، سوره فاتحه به دو نصف از نظر عدد، تقسیم نشده است.

پاسخ:

اولاً: این روایت از علا روایت شده است و در توثیق و تضعیف علا اختلاف است.^(۱)

ثانیاً: اگر دلالت این روایت کامل باشد، با روایات فراوان و صحیح گذاشته که دلالت می‌کردند بر این که فاتحه با ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ - نه بدون آن - هفت آیه است، تعارض دارد.

ثالثاً: در روایت مذکور، استفاده نمی‌شود که تقسیم بر حسب الفاظ است بلکه ظاهر این است که تقسیم بر حسب معناست، پس مقصود و مراد، عبارت است از این که: اجزای نماز چه آن که به پروردگار مربوط است و چه آن که به بنده بر اساس مدلول و معناست.

۱- ر.ک: ترجمه و شرح حال او در کتاب تهذیب التهذیب: ۸ / ۳۳۶-۳۳۵.

رابعاً: اگر فرض کنیم که تقسیم بر اساس الفاظ است، اما چه دلیلی دارد که به حسب عدد آیات است، شاید به حساب کلمات باشد؛ زیرا کلماتی که پیش از آیه: ﴿إِذَا نَعَبَدُ وَإِذَا نَسْتَعِينُ﴾ و بعد از آن است، با محاسبه ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ و حذف تکراریها ده کلمه می‌باشد.

۳- روایت ابو هریره می‌گوید:

«سوره کوثر سه آیه^(۱) و سوره ملک، سی آیه است^(۲) و چنانچه ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ جزء سوره باشد، عدد آنها زیادت‌تر می‌شد».

پاسخ: روایت ابو هریره در سوره کوثر - بر فرض صحیح بودن سند آن - با روایت گذشته انس، معارض است و روایت انس را به جز موطأ مالک،^(۳) همه صحاح آن را تلقی به قبول کرده‌اند؛ بنابر این، روایت ابو هریره یا کنار گذاشته شده، یا به آیات خاص سوره تأویل می‌شود؛ زیرا که ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ بین همه سوره‌ها مشترک است و جواب از روایت او در سوره ملک هم از همین جواب استفاده می‌شود.

۱ - در کتب روایت، به این روایت برخورد نکردیم.

۲ - مستدرک حاکم: ۵۶۵/۱؛ صحیح ترمذی، باب فضل سوره ملک: ۳۰/۱۱؛ کنز العمال، فضائل سوره‌ها و آیات: ۵۲۵/۱، ۵۱۶.

۳ - تیسیر الوصول: ۱/۱۹۹.

وجوب قرائت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ در نماز

کسی که سیره پیغمبر اسلام و عمل اصحاب و تابعین و فقهای دور اوّل را بررسی کند، برایش به طور واضح آشکار می شود که آنان به قرائت ﴿بسم الله﴾ در نماز ملتزم بوده اند و روایات فراوانی در این زمینه موجود است که به گویاترین آنها اکتفا می کنیم:

الف - ام سلمه می گوید:

«پیغمبر ﷺ سوره را به این صورت قرائت می کرد: ﴿بسم الله الرحمن الرحيم * الحمد لله رب العالمین...﴾ تا آخر سوره».^(۱)

و در روایتی، قرائت رسول خدا از ام سلمه پرسیده شد، جواب داد: «قرائتش را به طور (تقطیع) آیه آیه می خواند: ﴿بسم الله الرحمن الرحيم * الحمد لله رب العالمین...﴾».^(۲)

ب - ابن عباس می گوید:

«روش پیغمبر ﷺ این بود که نمازش را با ﴿بسم الله﴾ آغاز و افتتاح می کرد».^(۳)

ج - جابر می گوید:

۱- مستدرک حاکم و خلاصه آن: ۲/ ۲۳۲.

۲- مستدرک احمد: ۶/ ۳۲۰؛ سنن ابی داوود: ۴/ ۳۷۱، کتاب قرائات و حروف؛ سنن بیهقی: ۲/ ۴۴.

۳- سنن ترمذی: ۲/ ۴۴، ابواب نماز؛ الدر المنثور: ۸/ ۱.

«رسول خدا ﷺ به من فرمود: وقتی که به نماز می ایستی، چگونه قرائت می کنی؟ گفتم: می خوانم: ﴿الحمد لله رب العالمین﴾: فرمود: (بگو): ﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾»^(۱)

د - نافع می گوید:

«عمر وقتی می خواست نمازش را شروع کند ﴿بسم الله﴾ را در (فاتحه) ام القرآن و سوره ای را که بعد از آن می خواند، قرائت می کرد»^(۲)

ه - ابو هریره می گوید:

«رسول خدا ﷺ وقتی که برای مردم نماز جماعت می خواند، با ﴿بسم الله﴾ شروع می کرد. و نیز می گوید: ﴿بسم الله﴾ آیه ای از کتاب الله است، برای اثبات آن، فاتحه الكتاب را بخوانید، خواهید دید که ﴿بسم الله﴾ آیه هفتم آن است»^(۳)

و - قتاده می گوید:

«از انس بن مالک پرسیده شد: قرائت رسول خدا چگونه بود؟ انس گفت: با مد بود، سپس ﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾ را قرائت نمود و گفت: ﴿بسم الله و الرحمن و الرحیم﴾ با مد خوانده شوند»^(۴)

۱- الدر المنثور: ۸/۱ از دارقطنی و بیهقی در شعب الایمان.

۲- سنن بیهقی: ۴۷/۲؛ سیوطی: ۸/۱ از طبرانی در اوسط.

۳- سنن بیهقی: ۴۷/۲؛ الدر المنثور: ۳/۱.

۴- صحیح بخاری، کتاب فضائل قرآن / باب مدّ قرائت: ۳/۱۵۶؛ سنن بیهقی: ۴۳/۲، باب افتتاح قرائت با ﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾ در نماز.

ز - ابو هريره می گوید:

«پیغمبر خدا ﷺ فرمود: وقتی که حمد را قرائت می کنید ﴿بسم الله﴾ را قرائت نمایید؛ زیرا حمد، امّ القرآن و امّ الكتاب و سبع مثانی است و ﴿بسم الله﴾ یکی از آیات آن می باشد». ^(۱)

در روایتی آمده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«الحمد لله رب العالمين﴾ هفت آیه است، یکی از آنها ﴿بسم الله﴾ است و بقیه آن را مانند حدیث قبل به شمار آورده است». ^(۲)

ح - ابو هريره می گوید:

«با پیغمبر در مسجد بودم که دیدم مردی وارد مسجد شد و نمازش را با استعاذه شروع کرد و بدون خواندن بسم الله، با ﴿الحمد لله﴾ ادامه داد. پیغمبر خدا که این را شنید، به آن مرد فرمود: خودت نمازت را باطل کردی، آیا نمی دانی که ﴿بسم الله﴾ جزء حمد است؟ هر کس آن را ترک کند، آیه ای را ترک نموده است و هر کس آیه ای را ترک کند نمازش را تباه ساخته است». ^(۳)

اصحاب، تابعین و فقها هم ﴿بسم الله﴾ را جزء حمد می دانستند:

۱ - سنن بیهقی: ۲ / ۴۵؛ الدر المنثور: ۳ / ۱.

۲ - سنن بیهقی: ۲ / ۴۵؛ الدر المنثور: ۳ / ۱.

۳ - الدر المنثور: ۷ / ۱.

الف - بیهقی از عبد خیر نقل می کند که:

«از علی ع از سبع مثانی پرسیده شد، فرمود: سوره حمد است. گفته شد: سوره حمد شش آیه است، پاسخ فرمود: ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ آیه است»^(۱).

ب - علی ع وقتی که می خواست نمازش را شروع کند، با ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ شروع می نمود و می فرمود:

«هر کسی که ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ را قرائت ننماید، کارش ناقص است و می فرمود: ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ کمال سبع مثانی است»^(۲).

ج - از ابن عباس روایات متعددی نقل شده که در برخی از آنها تأکید و تفسیر بعض دیگر می باشد که ما به دو روایت مختصر از آنها اکتفا می کنیم:

۱- ابن عباس در مورد ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي﴾ می گوید: «منظور، ام القرآن است که ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ یکی از هفت آیه آن می باشد». ابن عباس گفته:

«خداوند، آن را برای شما نازل کرده که برای پیشینیان شما چنین نکرده است».

حاکم نیشابوری می گوید:

۱- سنن بیهقی: ۲/ ۴۵؛ الدر المنثور: ۱/ ۳.

۲- الدر المنثور: ۱/ ۷؛ کنز العمال: ۲۵/ ۳۷۵، ۱۹۱.

«این روایت، بر اساس معیارهای بخاری و مسلم، روایت صحیحه است و ذهبی هم آن را تأیید کرده است».

۲- ابن عباس می گوید:

«سبع مثانی، همان فاتحه الکتاب است و ﴿بسم الله﴾ جزء هفت آیه می باشد، سپس از راوی سؤال شد که آیا ابن عباس به تو گفته که ﴿بسم الله﴾ آیه ای از کتاب الله است؟ جواب داد: آری، ابن عباس خبرم داده و خودش در هر دو رکعت نماز، آن را می خواند».^(۱)

د - نافع از عبد الله بن عمر نقل می کند که امّ الکتاب را با ﴿بسم الله﴾ افتتاح می کرد.^(۲)

او وقتی که نمازش را می خواست آغاز نماید، الله اکبر می گفت، سپس ﴿بسم الله﴾ و ﴿الحمد لله﴾ را قرائت می کرد و وقتی که از سورة حمد فارغ می شد ﴿بسم الله﴾ را می گفت. نافع می گوید: ابن عمر می گفت: اگر ﴿بسم الله﴾ قرائت نشود، پس چرا در مصحف، مکتوب شده است؟^(۳)

ه - محمد بن کعب قرظی می گوید:

«فاتحه الکتاب با ﴿بسم الله﴾ هفت آیه است».^(۴)

۱- مستدرک حاکم و خلاصة آن: ۱/ ۵۵۱؛ سنن بیهقی: ۲/ ۴۸-۴۷.

۲- سنن بیهقی: ۲/ ۴۹-۴۸.

۳- سنن بیهقی: ۲/ ۴۴؛ الدر المنثور: ۱/ ۷.

۴- الدر المنثور: ۱/ ۸ از ابی عیید.

و - بیهقی می گوید:

«برای ما از فقهای مکه، عطاء، طاووس، مجاهد و سعید بن جبیر روایت شده که ﴿بسم الله﴾ باید بلند خوانده شود».^(۱)
 ز - در مصنف عبد الرزاق، باب قرائت بسم الله آمده است:
 «... از پدرم و اصحاب دیگر و تابعین نقل شده که آنها ﴿بسم الله﴾ را قرائت می کرده اند».^(۲)

اهل بیت علیهم السلام و تمام پیروان آنان اجماع دارند بر اساس آنچه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کنند که ﴿بسم الله﴾ آیه ای از آیات سوره های قرآن است و قرائت آن در حمد و سوره نماز و بلند خواندن آن در نمازهای جهریه واجب است.^(۳)

وجوب بلند خواندن ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ در نماز

الف - ابو هريره می گوید:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل نماز را به من تعلیم داد، سپس بلند شد و تکبیر گفت و پس از آن ﴿بسم الله﴾ را به جهر قرائت نمود».^(۴)

۱- سنن بیهقی: ۵۰/۲

۲- مصنف عبد الرزاق، کتاب نماز، باب قرائت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾: ۹۱/۱ - ۹۰.

۳- خلاف، شیخ طوسی: ۳۲۸/۱؛ جواهر الکلام: ۲۹۶/۹.

۴- الدر المنثور: ۷/۱.

ب - عائشه می گوید:

«رسول خدا ﷺ ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ را بلند می خواند».^(۱)

ج - علی ابن ابی طالب علیه السلام می گوید:

«رسول خدا ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ را در هر دو سوره بلند می خواند».^(۲)

د - ابو طفیل می گوید:

«از علی ابن ابی طالب علیه السلام و عمار شنیدم که رسول خدا ﷺ

﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ را در نمازهای واجب در فاتحه الكتاب، بلند می خوانده است».^(۳)

هـ - ابو هریره می گوید:

«رسول خدا ﷺ ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ را در نمازش بلند می خواند، اما مردم

آن را ترک کردند».^(۴)

ز - ابو طفیل می گوید:

«شنیدم که رسول خدا ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ را بلند می خواند».^(۵)

ح - انس بن مالک می گوید:

۱- الدر المنثور: ۸/۱.

۲- الدر المنثور: ۸/۱.

۳- الدر المنثور: ۸/۱.

۴- سنن بیهقی: ۴۷/۲؛ مستدرک حاکم: ۲۳۲/۱؛ الدر المنثور: ۸/۱.

۵- الدر المنثور: ۸/۱.

«رسول خدا ﷺ را بلند می خواند».^(۱)

ط - ابن عمر می گوید:

«پشت سر رسول خدا ﷺ و ابو بکر و عمر نماز خواندم، همه

ﷺ را بلند می خواندند».^(۲)

ي - عسقلانی می گوید:

«پشت سر معتمر بن سلیمان، نماز صبح و مغرب را که به شمارم نمی آمد، به جماعت خواندم، او ﷺ را قبل و بعد از فاتحه الکتاب بلند می خواند و شنیدم معتمر می گوید: پیوسته به نماز پدرم اقتدا می نمایم و پدرم گفت: پیوسته به نماز انس اقتدا می نماید و انس بن مالک گفت: پیوسته به نماز پیامبر اکرم ﷺ اقتدا می نمایم».^(۳)

ك - حاکم از انس روایت می کند:

«پشت سر پیامبر ﷺ و ابو بکر و عمر و عثمان و علی علیه السلام نماز خواندم، همه آنها ﷺ را بلند می خواندند.

حاکم می گوید: این حدیث را به عنوان شاهد برای احادیث قبلی ذکر کردم؛ زیرا در احادیثی که ذکر کردیم، تعارض است با حدیث قتاده که بزرگان اهل حدیث، آن را روایت می کنند و در آن باب روایاتی که از امیر المؤمنین عثمان نقل شده باقی ماند.

۱- مستدرک حاکم: ۲۳۳/۱.

۲- الدر المنثور: ۸/۱ از دار قطنی.

۳- مستدرک حاکم و خلاصه آن: ۲۳۴/۱.

سپس نام جمعی از صحابه را که روایت، آنها را ذکر نکرده می‌برد و می‌گوید: تمام آن روایتها نزد من معتبر است و آنها را به خاطر این که کلام طولانی نشود، ترک نمودم».^(۱)

علاوه بر روایات گذشته‌ای که از اقتدا کنندگان به جماعت رسول خدا ﷺ و خلفا روایت شد، روایات دیگری ذکر می‌کنیم از کسانی که اقتدا به نماز جماعت بعضی از خلفا کرده و ملاحظه کرده اند که آنها ﴿بسم الله﴾ را بلند می‌خوانند:

۱- عمر بن خطاب. عبد الرحمن بن ابزی می‌گوید:

«پشت سر عمر بن خطاب نماز خواندم و او ﴿بسم الله و الرحمن و الرحیم﴾ را بلند خواند».^(۲)

۲- امام علی ابن ابی طالب علیه السلام. شعبی می‌گوید:

«علی ابن ابی طالب علیه السلام را دیدم و پشت سرش نماز خواندم و شنیدم که ﴿بسم الله و الرحمن و الرحیم﴾ را بلند می‌خواند».

در تفسیر رازی - با سند خودش نقل می‌کند که - امام علی علیه السلام سوره را با ﴿بسم الله و الرحمن و الرحیم﴾ در نماز شروع می‌کرد و می‌فرمود:

«هر کس که آن را نخواند، کار نا تمامی را انجام داده است».^(۳)

۱- مستدرک حاکم: ۱/ ۲۳۴.

۲- سنن بیهقی: ۲/ ۴۸.

۳- سنن بیهقی: ۲/ ۴۹؛ تفسیر رازی: ۱/ ۱۹۶.

۳- عبد الله بن زبیر. ازرق بن قیس می گوید:

«پشت سر ابن زبیر نماز خواندم، پس قرائت کرد و ﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾ را بلند خواند. بیهقی می گوید: این روایت از ابو هریره با سند صحیح از عبد الله بن زبیر برای ما نقل شده است»^(۱)
علاوه بر این، در تفسیر ابن کثیر آمد که گفته:

«نسائی در سننش و ابن خزیمه و ابن حبان در صحاحشان و حاکم در مستدرکش نقل کرده اند که ابو هریره ﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾ را در نمازش خواند و گفته است که نمازم شبیه ترین نماز، به نماز رسول خداست و دارقطنی و خطیب و بیهقی و دیگران آن را تصحیح کرده اند»^(۲)

و نیز دارقطنی در سننش از یحیی بن حمزه روایت می کند که:

«نماز مغرب را با مهدی خواندیم و ﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾ را بلند خواند. گفتم: ای امیر المؤمنین! چرا بلند خواندی؟ در پاسخ گفت: از پدرم، از ابن عباس چنین نقل شده که پیامبر ﷺ ﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾ را بلند می خواند. گفتم: ما هم از تو پیروی کنیم و آن را از تو نقل نماییم؟ گفت: آری»^(۳)

۱- سنن بیهقی: ۴۹ / ۲.

۲- تفسیر ابن کثیر: ۱۶ / ۱.

۳- سنن دارقطنی: ۲۰۴، ۲۰۳ / ۱.

علاوه بر آن، بیهقی هم از ابن عباس روایت کرده که رسول خدا ﷺ قرائت (حمد) را با ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ آغاز و افتتاح می کرد و آن را بلند می خواند و این مطلب دارای شواهدی از ابن عباس است که آنها را در کتاب خلافتیات ذکر کرده ایم.^(۱)

بیهقی و ذهبی از ابن شهاب روایتی را نقل می کنند که روایت فوق را تأیید می نماید. ابن شهاب می گوید:

«سنت نماز این است که ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ خوانده شود، سپس فاتحه الکتاب، سپس ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ و سوره ای از قرآن و ابن شهاب گاهی اوقات سوره ای را با حمد می خواند و هر کدام را با ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ آغاز می نمود و می افزود: اولین کسی که در مدینه ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را آهسته خواند، عمرو بن سعید بن عاص بوده؛ زیرا او مرد خجولی بوده است.»^(۲)

بکر بن عبد الله از ابن زبیر نقل می کند که:

«نمازش را با ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ شروع می کرده و می گفته: این تکبر است که نمی گذارد ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ گفته شود.»^(۳)

۱ - سنن بیهقی: ۴۷ / ۲.

۲ - سنن بیهقی: ۵۰ / ۲؛ تذکره الحفاظ: ۱۱۰ / ۱؛ الدر المنثور: ۸ / ۱.

۳ - سنن بیهقی: ۴۹ / ۲.

معاویه منشأ اختلاف در جزئیت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ است

با این همه روایات صحیح و موثق و صریح، مبنی بر این که رسول خدا^۱ و خلفا و گروهی از اصحاب و تابعین همه ﴿بسم الله﴾ را در نمازشان بلند می خوانده اند و می گفتند ﴿بسم الله﴾ جزء حمد است و مرتباً تا دوران فقههای حرمین، امر می کردند مردم را که ﴿بسم الله﴾ را قرائت نمایند، اما متأسفانه در مقابل این همه حقایق، روایاتی را در صحاح می یابیم که با روایات گذشته در تناقض می باشند؛ مانند روایات مسلم در صحیح، نسائی در سنن، احمد در مسند، از قتاده و او از انس بن مالک که می گوید:

«با پیغمبر^ﷺ، ابو بکر، عمر و عثمان نماز خواندم، از هیچ یک از آنها نشنیدم که ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را قرائت نمایند».^(۱)
و مانند روایت سه نفر گذشته نیز از انس که گفته:
«پشت سر پیامبر^ﷺ، ابو بکر، عمر و عثمان نماز خواندم و نمازشان را با الحمد لله.... شروع می کردند و ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را نه در اول حمد و نه در آخر آن، نمی خواندند».^(۲)

۱- صحیح مسلم، کتاب نماز، حدیث ۵۲ و ۵۰؛ سنن نسائی، باب ترک جهر به ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ از کتاب افتتاح نماز: ۱/ ۱۴۴؛ مسند احمد: ۳/ ۲۷۸ و ۲۷۳ و ۱۷۷.
۲- صحیح مسلم، کتاب نماز، حدیث ۵۲؛ سنن نسائی، کتاب افتتاح نماز، باب ۲۰؛ مسند احمد: ۳/ ۲۸۹، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۷۳، ۲۵۵، ۲۲۳، ۲۰۵، ۲۰۳.

و نیز مثل آنچه را که ترمذی و احمد از یزید بن عبد الله نقل می کنند که گفته:

«پدرم از من شنید که ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ قرائت را می کنم. گفت: ای پسر! این کار را نکن: زیرا من از هیچ یک از اصحاب رسول خدا ﷺ و نیز از ابی بکر، عمر و عثمان نشنیدم که ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را بخوانند، پس تو نیز ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را نخوان، وقتی که می خواهستی قرائت کنی، با ﴿الحمد لله رب العالمين﴾ شروع کن.»^(۱)

و عبد الله همان عبد الله بن مغفل مزنی صحابی است که ساکن مدینه بوده، سپس عمر او را به بصره فرستاد تا مردم را تعلیم دهد (او در سال ۵۹ یا ۶۰ هجری زمان حکومت ابن زیاد فوت کرد) و پسرش که راوی از اوست، حال او مجهول است؛ بنابر این، طبیعی است که تناقض روایات، در شأن ﴿بسم الله﴾ و بلند خواندن آن، منجر به اختلاف در مکتب خلفا شود.

شافعی می گوید:

«﴿بسم الله﴾ آیه ای از اوّل سورة فاتحه است. قرائت آن، با سورة فاتحه واجب است.»

مالک و اوزاعی می گوید:

۱- سنن ترمذی: ۴۳/۲؛ مسند احمد: ۸۵/۴؛ مصنف عبد الرزاق: ۸۸/۲

«بسم الله» از قرآن نیست و قرائت نمی‌شود - نه جهراً و نه سرّاً - (نه بلند، نه آهسته) مگر در قیام (نمازهای) ماه رمضان.
ابو حنیفه گفته:

«بطور آهسته خوانده می‌شود، نگفته آیا جزء سوره است یا نه؛ یعلی می‌گوید: سؤال کردم از محمد بن حسن راجع به بسم الله، پاسخ داد: آنچه بین الدفتین است، قرآن است. به او گفتم: پس چرا آهسته می‌خوانی؟ جوابی به من نداد».^(۱)

این روایات که با روایات وجوب قرائت «بسم الله» تناقض دارند، دارای علل و انگیزه‌هایی است که می‌فهماند این روایات، صحت ندارند.

والبتّه هر یک از بی‌هقی در سنن و حاکم نیشابوری در مستدرک و رازی در تفسیرش درباره سند روایات «بسم الله» بحث و دقت لازم انجام داده‌اند و ذهبی هم در تلخیص مستدرک به آن اشاره کرده و شافعی هم در کتاب ام، بر مختار خود استدلال نموده است.
بابررسی روایات «بسم الله» و شرایط ویژه بعضی از روایات، پی به منشأ اختلاف روایات «بسم الله» می‌بریم.

۱- تفسیر رازی: ۱/ ۱۹۴؛ الأم: ۱/ ۱۰۷؛ مختصر المزنی: ۱۴.

منشأ تناقض روایات ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾

الف - شافعی در ام و حاکم در مستدرک با دو سند و بیهقی در سنن خود با سه سند و رازی و سیوطی در تفسیرشان از انس بن مالک روایت کرده‌اند (لفظ روایت از حاکم است) که انس بن مالک می‌گوید:

«معاویه در مدینه قرائت نماز را بلند خواند. در ام القرآن (سوره حمد) ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را خواند ولی ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را برای سوره بعد از فاتحه نخواند، وقتی که سلام نماز را تمام کرد، افرادی از مهاجرین و انصار که این را شنیده بودند، از همه طرف صدا زدند: ای معاویه! آیا نماز را دزدیدی یا فراموش کردی؟ معاویه بعد از این وقتی که نماز می‌خواند ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را در سوره بعد از حمد، قرائت نمود و بعد از آن هنگامی که می‌خواست به سجده رود، الله اکبر می‌گفت. حاکم می‌گوید این حدیث بر اساس معیارهای مسلم صحیح است. و نیز حاکم می‌گوید:

قتاده تدلیس می‌کند و از هر کس نقل می‌نماید و اگر چه حدیث قتاده در صحیح وارد شده است، اما بر ضد و خلاف آن، شواهد زیادی است که یکی از آنها همان روایاتی است که ما در قرائت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ ذکر کردیم. ذہبی هم قول حاکم را در باره قتاده تأیید کرده و گفته است که: «قتاده تدلیس می‌کند».

فخر رازی بعد از ذکر این حدیث می گوید:

این خبر دلالت بر این دارد که اصحاب بر این که ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ جزء قرآن و فاتحه است و بهتر است که بلند خوانده شود، اجماع دارند.^(۱)

ب — بیهقی با سه سند و شافعی با دو سند از عبد الله بن عثمان، از خثیم، از اسماعیل بن عبید بن رفاعه، از پدرش نقل می کنند که:

«معاویه به مدینه آمد و نماز را بدون ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ خواند و وقتی که خم و یا بلند می شد، تکبیر نمی گفت. مهاجرین و انصار بعد از نماز، ندا سر دادند: ای معاویه! آیا از نماز دزدیدی؟ ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ و تکبیر را چه کردی؟ معاویه وقتی نماز دیگری خواند، ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ و تکبیر را به زبان آورد.»^(۲)

نماز بدون ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ معاویه

عبد الله بن ابی بکر بن حفص بن عمر بن سعد می گوید:

۱- الأم: ۱/۱۰۸؛ مستدرک حاکم و خلاصه آن: ۱/۲۳۳؛ سنن بیهقی: ۲/ ۵۰-۴۹؛ تفسیر

رازی: ۱/۱۹۹-۱۹۸؛ الدر المنثور: ۸/۱

۲- سنن بیهقی: ۲/ ۵۰-۴۹؛ الأم: ۱/۱۰۸.

«معاویه نماز عشا را بدون ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ برای اهل مدینه خواند و بعد از نماز، بعضی از مهاجرین وانصار که آن را شنیده بودند، او را بلند صدا کردند و گفتند: ای معاویه! آیا از نماز دزدیدی، یا فراموش کردی؟ ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ چه شد؟»^(۱)

این خبر، ابهام بعضی از روایات گذشته را برای ما روشن می‌کند که در واقع علت نگفتن ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ همان چیزی بوده که در روایت ابن زبیر آمده بود؛ این که فقط تکبر مانع قرائت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ می‌باشد.

و همچنین کلام ابن شهاب، روشنگر همان معنا است که گفت: «وَل كَسَى كَه دَر مَدِينَه ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ رَا آهَسْتَه خواند، عمرو بن سعید بن عاص بود که مرد خجالتی بود»^(۲).

واقعاً نمی‌دانم از چه کسی حیا می‌کرد که در نمازهای جهریه که حمد و سوره در آنها بلند خوانده می‌شود - ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ آن را آهسته خواند (اگر به خاطر حیا بود، پس همه حمد و سوره را باید آهسته می‌خواند، نه فقط ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را) و شاید او از معاویه و امویان حیا می‌کرد؛ زیرا معاویه آن را نخواند و از سوی دیگر از مهاجرین و انصار حیا می‌کرد که آن را ترک نماید، پس ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را بلند نخوانده است؟!!

۱ - مصنف عبد الرزاق: ۹۲ / ۲، کنز العمال: ۴ / ۴۴۹۴.

۲ - سنن الکبری: ۵۰ / ۲؛ تذکره الحفاظ: ۱ / ۱۱۰ و ذهبی جمله: (و او مرد خجالتی بود را حذف کرده است).

وهمچنان که سیوطی در اتقان نقل کرده است که گفته:
 «ابن خزیمه و بیهقی در کتاب المعرفة با سند صحیح به استناد از
 سعید بن جبیر، از ابن عباس روایت کرده‌اند به این که شیطان
 بزرگترین آیه قرآن؛ یعنی ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را از مردم
 دزدیده است».^(۱)

و بیهقی در سنن، روایت را با این عبارت نقل می‌کند که:
 «شیطان، بزرگترین آیه قرآن را از اهل قرآن دزدیده است».^(۲)
 یحیی بن جعد می‌گوید:

«شیطان آیه ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را از پیشوایان امت، با
 نیرنگ دزدیده است».^(۳)

زهری با ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ نمازش را شروع می‌کرد
 و می‌گفت:

«آیه‌ای از کتاب خداست که مردم آن را ترک کرده‌اند».^(۴)

۱- اتقان: ۸۰ / ۱؛ الدر المنثور: ۷ / ۱.

۲- سنن بیهقی: ۵۰ / ۲؛ مصنف عبد الرزاق: ۹۲ / ۲.

۳- مصنف عبد الرزاق: ۹۱ / ۲.

۴- او می‌گفت: از سنت نماز است که اول ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ و سپس حمد و سپس
 ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ سپس سوره ای بخوانند؛ (تذکره الحفاظ: ۱ / ۱۱۰؛ مصنف عبد
 الرزاق: ۹۱ / ۲).

مقصود شان از این که شیطان ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را با نیرنگ دزدید، این است که مردم آن را در نماز ترک کردند. از آنچه که گذشت، به قول ابن عباس می‌رسیم و همان را نتیجه می‌گیریم که گفت:

«مسلمانان در حرم مکه و مدینه از زمان رسول خدا تا خلافت معاویه ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را با سوره‌ها می‌خواندند - همچنان که در مصحفها می‌نوشتند - ولی معاویه در زمان خلافتش در شام ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را در نماز، با سوره نمی‌خواند، وقتی که به مدینه آمد و در مسجد النبی ﷺ نماز جماعت خواند، بر اساس عادتش - که ترک ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ بود - بدون ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ خواند، مهاجرین و انصار به او اعتراض کردند که آیا دزدیدی؟ یا فراموش کردی؟! لکن معاویه نماز بعدی را با ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ خواند، اما از اخبار چنین استفاده می‌شود که او وقتی به شام برگشت، به همان عادت اولیه‌اش نماز می‌خواند و ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ قرائت نمی‌نمود و خلفای بنی امیه بعد از او هم از او پیروی نمودند.

ابن زبیر در وصف کار معاویه و پیروانش می‌گوید:

«تکبر آنان مانع از قرائت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾

می‌باشد».

و این عمر در حالی که بر علیه آنان استدلال می‌نمود، گفت:

«اگر بناست خوانده نشود، پس چرا در قرآن نوشته شده؟».

و اما اهل حرم مکه و مدینه همچنان ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را قرائت می کردند تا این که عمرو بن سعید بن عاص والی حرمین شد و او اول کسی بود که ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را در مدینه آهسته خواند؛ از طرفی حرمت معاویه را رعایت کرد و بلند نخواند و از طرفی، مهاجرین و انصار را رعایت کرد، آهسته خواند و بعد از آن که رقیبشان ابن زبیر در مکه از بین رفت و موقعیت بنی امیه قوی شد، برخی از روایات به تأیید روش معاویه جعل شد. در نتیجه در تشکیلات و مکتب خلفاء اختلاف افتاد؛ گروهی آن را می خوانند و گروهی به تبعیت از روش معاویه آن را ترک می نمایند؛ خواه در حرمین باشد و یا مکان دیگر و این اختلاف، همچنان باقی است.

نتیجه و خلاصه بحث

دانستیم که ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ آیه ای از قرآن و جزء هر سوره است و قرائت آن در اول حمد و اول هر سوره در نماز، واجب است و باید در نمازهای جهریه بلند خوانده شود و سیره رسول خدا ﷺ و اصحاب آن حضرت، بر این بوده است و منشأ اختلاف در این زمینه، معاویه ابن ابی سفیان می باشد که در شام،

بدون ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ می‌خواند و در مدینه یک نماز را بدون بسم الله خواند و مسلمانان به او اعتراض کردند که چرا از نماز دزدیدی؟ و همین اعتراض، بزرگترین دلیل است بر این که در صدر اسلام ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ بدون شک جزء قرآن و نماز بوده است و معاویه منشأ اختلاف و برهم زنده سیره رسول خدا ﷺ بود.